

زنده شدن مردگان

از نظر قرآن و علم امروز

دو مقاله های گذشته آینده جهان را تا اینجا که مردگان زنده خواهند شد توضیح دادیم اینک بعوضت خدا حدود و اطراف این اصل مسلم اسلامی را بررسی میکنیم یکی از مستثنای که قرآن مجید با اشاری زیادی برای اثبات آن دارد همین موضوع دوباره زنده شدن مردگان با اصطلاح (معاد جسمانی) است. در دین مبین اسلام بقدری اهمیت با این موضوع داده شده که منکر آن را مانند منکر «میده» و آفریدن گاد جهان» نامرشد کفر دنبال کرده و از مردین خارج دانسته است اکنون خاطر شما را به موضوعات ذیل توجه میدهم:

دامنه حیات

قبلا معلوم باشد که مقصود ما در اینجا از حیات زنده بودن این است که موجودی دارای يك نوع ادراك و شعور بوده و بتواند لذت و الم و غوشی و ناغوشی را درك كند گرچه گاهی كلمه حیات بیک معنای وسیع تر از این هم اطلاق میشود و مثلا بیک دانه گندم هم که استمداد رشد و نمو دارد میگویند زنده است حالا که مقصود از حیات را در موضوع بحث فهمیدیم میخواهیم ببینیم آیا دامنه حیات تا کجا گشایده شده و این موهبت بزرگ خدا دادی تا کجا با انسان همراه است؟

بطور کلی اعتقادی که بشر نسبت باین امر تا کنون پیدا نموده است دارای سه مرحله است: مرحله اول عقیده مادین است که میگفتند حیات روز ندگی در بست انحصاری همین دنیا است و غیر از این حیات چند صباحی که به دوران بچگی و جوانی و پیری تقسیم میشود و سرانجامش مرگ است دیگر خبری نیست و هنوز هم جسته و گریخته ای از اینگونه افراد پیدا می شوند.

مرحله دوم عقیده بیشتر انسانهای قرون گذشته است که میگفتند انسان پس از مرگ بایک حیات نوین بهتری روبرو میشود و بایک آزادی مطلق آنجا روز میگذرانند این عقیده با اندازه ای ریشه دار است که از یک دوز گار بسیار کهن گرفته تا امروز ازمتمدن گرفته تا وحشی حتی بین ادبها و انسان خوارهای استرالیا و مانند آنها یا زاو گرمی داشته و اکنون هم از رونق خود نیفتاده است.

بنابگفته «هر برت سینر» (۱) در کتاب «علی اصول علم الاجتماع» بیشتر وحشیا مقداری از اسلحه همراه میت دفن میکنند تا هنگام تشکیل میدان جنگ بادشمنان قدیمی

خود در آنسرای دستش از سلاح جنگی عالی نباشد و باز آن اسباب ناهنجاری و باجه اسباب بازی
هر امر میکند و احياناً اگر طفل خیلی عزیز باشد و در پیش نزدیکان با او سخن عالم دیگر
میشوند قسمتی از وحشیهای آمریکا که ای از کور کور و زورت با بدین میکنند تا در مزوره
آنجا مشغول زراعت و فلاحت گردد در بین اهالی مرکز که متداول است که هنگام مرگ سلاطین
بلکه هر فرد مشخصی قسمتی از قلمدان او را قربانی میکنند تا در آنجا هم خدمتگذار او باشند
و گاهی شماره این قربانیها به ۲۰۰ و احياناً به ۱۰۰۰ هم میرسد.

موضوع جالبی که از معتقدات اهالی جزایر (تولوا) است برقراری اختلاف طبقاتی
در آن عالم است. بطوری که خلود و حیوانات هیچکی از آنرا در انحصاری رؤساء یا پهلوانان دانسته
و دیگران را از آن محروم میدانند. در حال این عقیده صریح بیاض طولانی دارد و در آن
و مذاهب آسمانی حتی در دین مقدس اسلام هم بطوریکه اصل مسلم شناخته شده اما آنطور
خناکدوبی نیک که در اولاد که رشد یافته اند نظریه هم جلاها را در و با آمریکا طرفداران
جدید و سرسختی دارد «احضار روح» یا بتعبیر صحیحتر «ارتیما» یا روح و «تویم
مغناطیسی» در شبه مهم اتصال روانی در دنیای امروز است گرچه هنوز کم و بیش افرادی
باقت میشوند که چندان خوش بین این حرفها نبوده بلکه گلهی شدیداً آریا را در انقباض بگیرند
ولی طرفداران آن هم رسماً اعلان میکنند که این حقیقت از یک فرضیه علمی یا اربابان آنجا و
بصورت یک امر حسی و آفتابی در آمده است و میگویند: «بیایید ببینید».

مرحله سوم عقیده هم در باب مذاهب آسمانی است که میگویند این رشته سر دراز دارد
و دامنه حیات فراختر از اینها است و بالاخره پس از مرگ دوباره سر و دست همین حیات جسمانی
هنرمندی خواهیم آمد و نا آنجا که اطلاع دارم این نظریه سرانجام مذکبت انبیا الهام گرفته
و جای دیگر خبری از آن نبوده است و این همان «مذاهب آسمانی» است که بحث ما در اطراف آن
دور میزند.

پرسشهای عقلمانی

۱ - منظور از «دنا جهان» چیست ؟

قرآن مجید در یکی از آیات صریحاً اعلان میکند که «... همه چیز جز ذات خدا نیست»
(تص ۸۸) اکنون میخواهیم «ببینیم آیا مفروضات «دنا جهان» این است که همه انسان و
تشکیلات جهان از «دنا» گرفته تا بزرگترین جسم نیست و نابود میشوند بطوریکه ذره -
المشغالی از تمام عناصر اصلی عالم پائی نیسانند و بساط عالم وجود بکلی برای مدتی برچیده
میشود و اینکه در نتیجه انقلاب عمومی رستاخیز اوضاع جهان عوض میشود و آنچه مایه حیات
و زندگی این نشأ است تغییر صورت داده و دیگر کاری که بعد از این عالم وجود از آنجا
سلطنت نیست آیا کدام یک از اینها است ؟

آنچه از خود قرآن مجید استفاده میشود همان دومی است زیرا نشانه هائی که قرآن برای
روز رستاخیز و در بر القیامه بدست میدهد همه از یک نوع تحول و تبدیلی که برای زمین و آسمان
پیش میآید حکایت میکند «... از برچیده شدن اساس آنها از همه بالاتر قرآن مجید در یک جا
اعلان میکند که روز رستاخیز هر نماز بر روزه شده شکایت میکند و مردگان از بالای خاکها
بیرون میآیند و این خود گواه است که تا آنروز هو لسانک هنوز قبرهائی دست نخورده موجود
است از اینجا روشن شد که مراد از حلا که هم موجودات در آیه فوق و منظور از فناء انسانها
و حیوانات و آیه «کل من علیها فان» در ص ۲۶ - همان دگرگون شدن و بربک حال باقی نماندن
است تا گفته اند که پافشاری ما سبب ببقای جهان و ذرات عناصر بر برای خاطر این نیست که
از آفرینش ابدی و بدون مقدمه در آینده وحشت ترسی داشته باشیم چرا که اینگونه
آفرینش برای ما تا زمانی ندارد و در بعضی مستند توحیدی همین معجزه خوانند «ایم که همین
جهان کنونی بعد از آفرینش ابدی و بدون اسباب فراهم شده است بلکه این پافشاری
برای آن است که خورد و پزهای این بحث (مادجسانی) را از نظر «مکتب اسلام» روشن
کرده باشیم چه بسیار این استدلالهای بده و در زمان بخورد.

۲ - میدانیم که این بیکرگز ما از اجتماع سلولهای زیادی که آمار آنها تا حدود ده
میلیون میآید تخمین زده شده تشکیل یافته است حال این پرسش پیش میآید که آیا مراد از جسمانی
پرونده ساد این است که اولاً این همان سلولهای که در آخرین ساعت عمر جزء بدن ما بودند
برگزیدند و باره هم بیرون آمدند یا سلولهای قبلی و ثانیاً شماره آنها هم بدون کم و زیاد باشماره
سابق آنها برابر باشد و علاوه بر اینها پرسش دیگری پیش میآید که آیا بطور کلی باید حکم
بدن را در وی همان حکم بدن فعلی باشد و یک سر و روز هم تخطی نکند فی المثل بینائی چشم ما و
شنوائی گوش محکوم یک سلسله شرائط محدودی است تا بتواند «ببیند و بشنود» یا همین
شرایط آنها نیز ثابت و لا یتغیر است و به نظر ما این بدن محتاج دستگه گواش و دروغ فضولات
است آیا سازمان آن بدن هم طریقی است که عیناً همینها را لازم دارد و بالاخره بدن کنونی متناسب
افراد تفاوت و سنگینی متناسقی دارد ، آیا آن بدن هم کما و کیفاً شباهت بهمین بدن
دنوی دارد ؟

اینها پرسش هائی است که اگر صریحاً از آنها جواب منفی ندیم اسراری هم برای
اثبات آنها نداریم بطور خلاصه آنچه «مکتب قرآن» پافشاری دارد روی این است که از
همین زمین و بدنی که خاک شده دوباره بشر برانگیخته و محشود خواهد شد اما عرضی نیست
یا تنگه مخصوصیات ندارد ولی از بالای روایات اسلامی استفاده میشود که وحدت همه جانی بین
آن دو بدن برقرار نیست .

شوشگاه علوم انسانی و مطابقت
رتال جامع علوم انسانی